

تجزیه و تحلیل جایگاه ایران در اسناد روسیه ۲۰۲۰-۲۰۱۰

معصومه محمدی^۱

تاریخ دریافت: ۰۸ / ۰۸ / ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۵ / ۰۸ / ۱۳۹۹

چکیده

از با ارزش‌ترین اسناد هر کشوری می‌توان به اسناد رسمی و دکترین‌های سیاست خارجی آن کشور اشاره نمود و مفاهیمی چون دکترین نظامی و سیاست خارجی آن کشور را از آن برداشت کرد. کشور روسیه هم در این مهم متشکی نبوده و با اهمیت یافتن قدرت هوشمند در دستور کار خود و با در نظر گرفتن بالاترین هدف خود پس از فروپاشی شوروی و بازگشت به هژمون جهانی، به بازنگری در نگارش اسناد و دکترین‌های سیاست خارجی خود پرداخته و با به کارگیری نگاهی متفاوت به نظام بین‌الملل با استفاده از گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی خود بر مبنای واقع‌گرایی تهاجمی و در نظر گرفتن عواملی چون اقتصادی، نظامی، نقش نخبگان، ناسیونالیسم، ژئوپلتیک، رقابت در عرصه بین‌المللی توأم با ترس و یا همکاری توأم با پاداش، سیاستی متفاوت را در دستور کار خود نسبت به کشورهای شرق و غرب اعمال داشته است. جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر و مناسبات پیش آمده در منطقه، نقش و حضوری متفاوت را در نظام بین‌الملل و اسناد سیاست خارجی روسیه به خود اختصاص داده است. نگارنده در تلاش است تا در این مقاله به تبیین و تحلیل سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران در اسناد و دکترین‌های روسیه بپردازد. یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و به دنبال تجزیه و تحلیل حوادث اخیر در نظام بین‌الملل و تأثیرات آن‌ها در اسناد روسیه در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۰ است و این‌که جمهوری اسلامی ایران چه نقش و جایگاهی در این اسناد داشته است.

کلید واژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، اسناد بالادستی، روسیه، سیاست خارجی.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): محمدی، معصومه (۱۳۹۹، پاییز). «تجزیه و تحلیل جایگاه ایران در اسناد روسیه ۲۰۲۰-۲۰۱۰». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال سوم، شماره‌ی سوم، صص ۱۳۴-۱۱۱.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران.

ایمیل: masomehmoammadi90@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک(اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را بارگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

اسناد سیاست خارجی و دکترین‌های روسیه از بالاترین سندهای رسمی این کشور محسوب می‌شود که توسط شخص رئیس جمهور به تأیید و تصویب و دستور اجرای آن صادر می‌گردد. در ادبیات این اسناد، نگرش و نوع تعامل با نظام بین‌الملل و کشورهای شرق و غرب تعیین و هدف‌ها و راهبردهای امنیتی کشور و حفظ امنیت منطقه و از همه مهم‌تر منافع داخلی و خارجی کشور روسیه در آن منظور گردیده است.

دولت روسیه طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی تاکنون سه بار به‌طور رسمی در اسناد سیاست خارجی خود تغییراتی را اعمال داشته است. اما با روی کار آمدن مجدد پوتین بعد از سال ۲۰۱۲ و سیاست خارجی او که بر مبنای تهاجمی بودن و نشان از قدرت روسیه را داشت و با پشت سر گذاشتن شرایط سخت اقتصادی گذشته و ثبات و امنیت درونی که به منطبق همیشگی قدرت‌های بزرگ که به دنبال جایگاه هژمون جهانی و حس امنیت مطلق هستند و تحولات حاکم در نظام بین‌الملل و شرایط داخلی و خارجی جدید عاملی در نوع نگرش در ارتباطات بین‌المللی و بازگو کننده قدرت هوشمند کشور روسیه شده است. به‌طوری که می‌توان این قدرت هوشمند را که پایه و اساس اسناد سیاست خارجی و رفتارهای بین‌المللی آن دانست و ویژگی‌های چون ژئوپلتیک و ژئواکونومیک و از همه مهم‌تر به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازیگران نظام بین‌المللی که تحولاتی هم‌چون جهانی شدن، بحران‌های اقتصادی متفاوت، افول و رویش مجدد در معادلات جهانی، مبارزه با بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای و تهدیدهایی چون تروریسم و هم‌گرایی با کشورهای طبقه‌بندی شده در اسناد را می‌توان نام برد.

سیاست خارجی روسیه پس از جنگ سرد و بالاخص واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر شکل متفاوتی به خود گرفت و به دو رویکرد «رقابت توأم با ترس» و «همکاری توأم با پاداش» تبدیل گردید و همین امر عاملی در تغییر نگرش سیاست خارجی روسیه نسبت به کشورهای منطقه با توجه به مناسبات پیش آمده در دهه اخیر در منطقه و مخصوصاً نوع تعامل و ارتباط با جمهوری اسلامی ایران گردیده است. در این میان جمهوری اسلامی ایران به دلیل شرایط خاص منطقه‌ای و ژئوپلتیک مورد توجه خاص سیاست خارجی روسیه قرار گرفت و نقشی متفاوت از قبل در اسناد سیاست خارجی آن‌ها یافته است. در این مقاله برآنیم به بیان این پرسش که ایران چه جایگاهی در اسناد روسیه و چه تأثیراتی در روند تغییرات حاکم در دهه اخیر با توجه به رویدادهای نظام بین‌الملل در این اسناد داشته است، بپردازیم. نگارنده می‌کشد در ابتدا با مطالعه نظری در خصوص اسناد سیاست خارجی روسیه و سپس با تجزیه و تحلیل جایگاه ایران در این اسناد و تغییراتی که در دهه اخیر در نظام بین‌الملل به وجود آمده است و به نوع اهمیت و جایگاه ایران در این اسناد بپردازد و به پیامدهای اسناد سیاست خارجی روسیه در روند همکاری‌های دو کشور در منطقه پرداخته و نکاتی که تاکنون به آن‌ها پرداخته نشده است را بیان نماید.

۲. مبانی نظری

سیاست خارجی^۱ روسیه را می‌توان از دیدگاه‌های متفاوت در نظریه‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی مورد ارزیابی قرار داد. اما آنچه باتوجه به بحث حاضر مورد توجه و بررسی است سیاست خارجی روسیه بر پایه واقع‌گرایی تهاجمی باتوجه به دیدگاه مرشایمر^۲ و چند تن از نظریه پردازان در روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌دهیم. در واقع آنچه مورد توجه واقع‌گرایان تهاجمی در نحله «واقع‌گرایی نوکلاسیک»^۳ است قدرت می‌باشد، منطقی که همه قدرت‌های بزرگ برای رسیدن به جایگاه هژمون جهانی برای آن تلاش کرده و سیاست‌های خارجی و اسناد سیاست‌های خود را بر پایه آن برنامه‌ریزی و تبیین می‌کنند. در این میان و با توجه به منطقی قدرت‌های بزرگ روسیه نیز از این امر مستثنی نبوده و با توجه به اصلاحات و تغییرات به وجود آمده در دکترین و اسناد سیاست خارجی خود مسیر دستیابی به اهداف خود در نظام بین‌الملل جدید را بر پایه واقع‌گرایی تهاجمی بنا نهاده تا به حداکثر رساندن سهم خود از قدرت جهان و هم‌چنین رسیدن به جایگاه هژمون منطقه‌ای از راه ایجاد منطقه‌گرایی‌های جدید و مدیریت تولید معانی جدید جمعی منطقه‌ای را به وجود آورد.

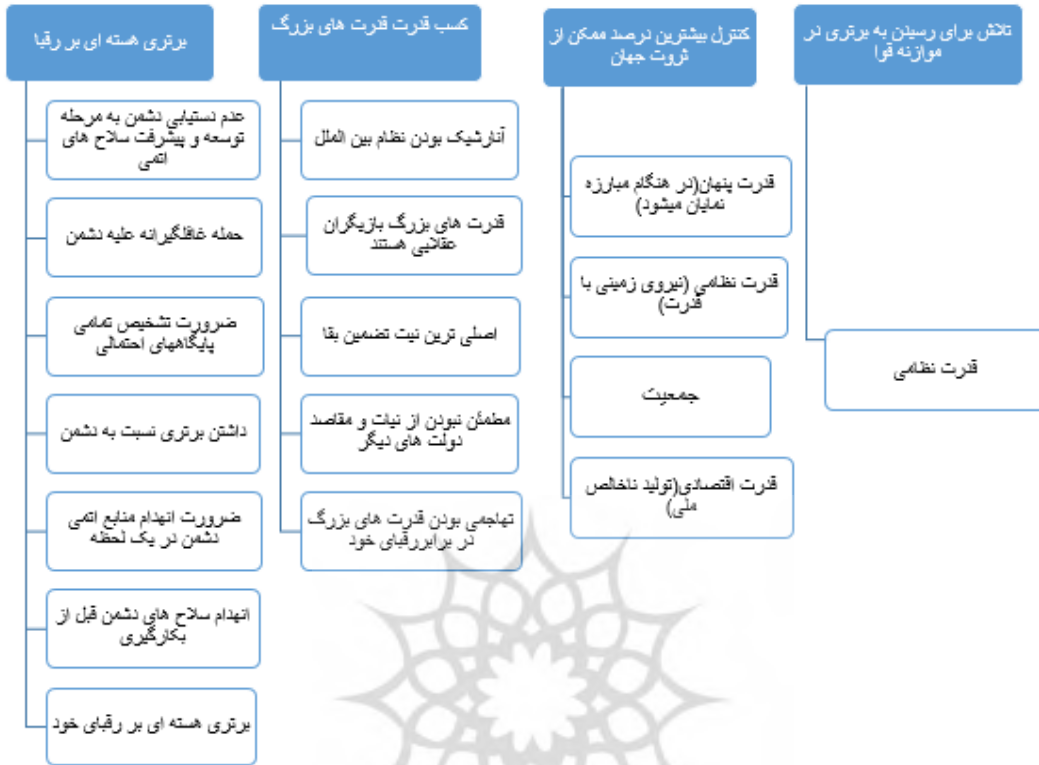
بر اساس نظریه‌ی مرشایمر دیدگاه تمامی قدرت‌های بزرگ کسب بیش‌ترین درصد قدرت در نظام بین‌الملل برای دستیابی به اهداف چون هژمون جهانی است و این امر انگیزه‌های قوی را برای تهاجمی بودن قدرت‌های بزرگ ایجاد می‌کند و تصویری از رقابت‌های بی‌وقفه را در میان قدرت‌های بزرگ به تصویر می‌کشد (Mearsheimer, 2001: 73, 74). مرشایمر برای قدرت‌های بزرگ چهار هدف اصلی را در نظام بین‌الملل برای عملیاتی ساختن اهداف خویش بیان می‌دارد:

- ۱- رسیدن به جایگاه هژمون منطقه‌ای
- ۲- کنترل بیش‌ترین درصد ممکن از ثروت جهانی
- ۳- تلاش برای رسیدن به برتری در موازنه قدرت زمینی منطقه خود
- ۴- برتری هسته‌ای بر رقبای خود (Mearsheimer, 2001: 156).

¹. Foreign policy

². Mearsheimer

³. Neoclassical realism



شکل شماره ۱: اهداف قدرت های بزرگ در نظام بین الملل بر اساس نظریه مرشایمر

دکترین نویسان روس نیز اهداف مذکور مرشایمر را که برای قدرت های بزرگ نام برده است، در نگارش دکترین ها و اسناد سیاست خارجی خود به کار برده اند و با توجه به تاریخی و راهبردی بودن دکترین های کشور روسیه، می تواند الگوی مناسبی در تدوین دکترین های شرق باشد. از دیگر مواردی که در اسناد دکترین های روسیه بدان توجه خاص و ویژه ای شده، بحث موازنه قدرت می - باشد که بدون شک، روسیه یکی از قدرتمندترین ارتش های کنونی جهان به دلیل تاریخ پر فراز و نشیب و حضور بیش از ۳۷ مورد ارتش در درگیری های داخلی و خارجی تا کنون را دارا می باشد. که این امر عاملی در غنای دکترین نظامی روسیه و قدرت یابی ارتش روسیه و بالطبع حفظ موازنه قدرت در سطح منطقه و جهانی است.

با توجه به مورد اول و رسیدن به جایگاه هژمون منطقه ای است که می توان آن را جزو اهداف سیاست خارجی روسیه دانست و رسیدن و دستیابی بدان خود از اولویت های اولیه قدرت های بزرگ و

کسب منافع ملی است. «کنان» از نظریه پردازان واقع گرایی کلاسیک به این نکته اشاره دارد که برای دستیابی به جایگاه قدرت و هژمون باید ثبات و نظم را در نظر گرفت و منافع بلند مدتی که باید جزو اهداف قدرت‌های بزرگ باشد. این امر مستلزم وجود درجه‌ای از اجماع میان قدرت‌های بزرگ و حفظ منصفانه قدرت و به رسمیت شناختن آن در میان قدرت‌های بزرگ است (Griffiths, 1999:24).

اما از دیدگاه والت آن چه برای رسیدن به جایگاه هژمون امکان پذیر می‌باشد توزیع توانمندی‌ها و تغییر در آن دارای اهمیت است، از دیدگاه او توضیح قدرتی که به ساختار دوقطبی منجر شود با ثبات‌تر و دستیابی به قدرت منطقه‌ای و جهانی را میسرتر می‌سازد (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۶). در واقع منابع بین‌المللی قدرت شامل عوامل و متغیرهای فراسرزیمینی و خارجی می‌شود که جهت‌گیری‌های سیاست داخلی کشورها در حوزه‌های مختلف را سامان می‌بخشد و عاملی در جهت‌گیری سیاست خارجی و متأثر بر اسناد سیاست خارجی می‌باشد. البته برجسته نمودن نقش منابع بین‌المللی مؤثر بر سیاست‌ها و جهت‌گیری‌ها به هیچ روی به معنای نادیده گرفتن عوامل داخلی تعیین کننده در کنش کشورها نیست، بلکه تمرکز و توجه بیش‌تر بر نحوه‌ی تأثیرگذاری ملموس و تعیین کننده‌ی منابع بین‌المللی بر سیاست داخلی است (زهرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

به هر روی، منابع بین‌المللی قدرت را باید شامل عناصر و مؤلفه‌هایی دانست که در سطح فراملی و کلان عمل کرده و جهت‌گیری سیاست جهانی را پیکربندی کند. البته می‌توان به این نکته اشاره نمود که با تحلیل رفتارهای عمل‌گرایانه‌ی روسیه می‌توان دکتترین و اسناد سیاست خارجی و مؤلفه‌های مؤثر بر آن را مورد شناسایی قرار داد که در تمامی رفتارهای عمل‌گرایانه کشورها تضمین امنیت ملی و ارتقاء منافع مؤلفه‌های اصلی و تعیین کننده می‌باشند. لذا باید تلاش کنیم تا مفهوم امنیت ملی روسیه را از دیدگاه تصمیم‌گیران و دکتترین نویسان آن درک کرده و به دست آوریم. از دیگر اهداف قدرت‌های بزرگ، می‌توان به سلاح‌های هسته‌ای اشاره کرد. در اسناد روسیه، سلاح هسته‌ای برای تأمین امنیت ملی روسیه است و خود را به عدم استفاده ابتدایی از سلاح هسته‌ای مقید کرده و در صورت به خطر افتادن منافع ملی، استفاده از آن را حق مسلم خود می‌داند.

از دیدگاه او، سلاح‌های هسته‌ای نه تنها باعث بی‌ثباتی بین‌المللی نمی‌شود، بلکه منطقی به-عنوان بازدارندگی در نظام بین‌الملل را ایجاد می‌کند، عاملی که روسیه در سیاست خارجی خود و اسناد خویش بدان توجه ویژه‌ای داشته است و ساخت تجهیزات هسته‌ای را حق مسلم خود به عنوان قدرت جهانی می‌داند و از دیدگاه سیاست خارجی روسیه، تجهیز بودن به تجهیزات هسته‌ای، خود عاملی در بازدارندگی و ایجاد نظم در نظام بین‌الملل جدید می‌باشد (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

در این میان می‌توان به دیدگاه زکریا که یکی از مهم‌ترین نظریه پردازان واقع‌گرایی تهاجمی است اشاره نمود که از دیدگاه او برای کسب جایگاه قدرت جهانی باید به قدرت دولت توجه داشت چرا که قدرت ملی متفاوت از قدرت دولت است و قدرت دولت مهم‌تر از قدرت ملی و آنچه موجب

قدرت یافتن یک دولت در نظام بین الملل است، قدرت دولت آن می‌باشد که قدرت ملی را نیز تحت سیطره خود دارد (Zakaria, 1998:9).

هرچقدر قدرت دولت و قدرت ملی افزایش پیدا کند، به سیاست‌های خارجی توسعه طلبانه‌تری منجر می‌گردد. هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر رسانده که این به معنای کسب قدرت به زبان دیگری است و قدرتیابی دولت‌ها را در سه چیز می‌توان بیان نمود. اول، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل؛ دوم، توانمندی‌های تهاجمی که همه‌ی دولت‌ها از آن برخوردار هستند و سوم عدم اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمن (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

با شروع دوباره به کار پوتین در روسیه، سیاست‌های خارجی روسیه شکل تهاجمی به خود گرفته و این نوع نگرش و پوتین بر اسناد سیاست خارجی نیز تأثیرگذار بوده است و اتخاذ سیاست عمل-گرایی تهاجمی در دستور کار روسیه قرار گرفته است. روسیه که در تلاش است تا بار دیگر خود را به جایگاه هژمون جهانی و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل برساند با تغییرات در اسناد سیاست خارجی خود و نوع نگرش جدید در نظام بین‌الملل آن را به نمایه جهانی گذاشته است. در این میان تغییر دیدگاه و نگرش نسبت به کشورهای است که از این پس نقش پررنگ‌تری در سیاست خارجی روسیه را دارند که جمهوری اسلامی ایران از جمله این کشورها می‌باشد. در ادامه مقاله به بررسی اسناد سیاست خارجی روسیه و دکترین‌های آن پرداخته می‌شود.

۳. اسناد بالادستی در سیاست خارجی روسیه

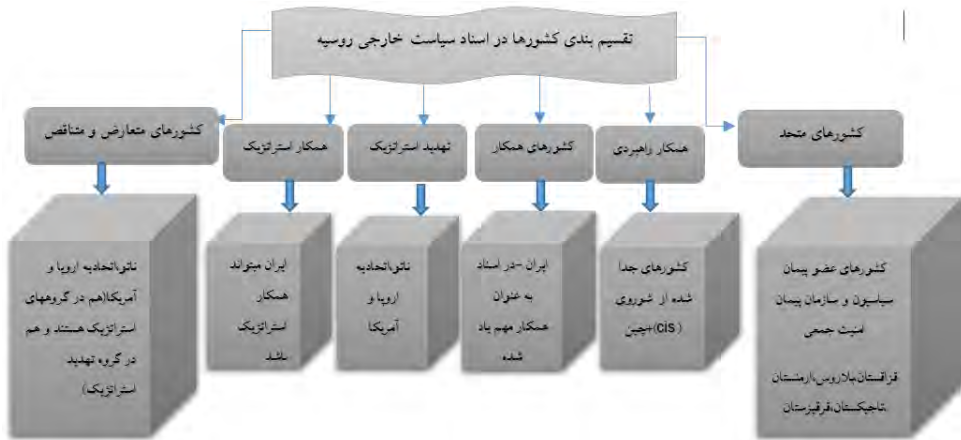
اسناد سیاست خارجی و دکترین‌های هر کشوری از عالی‌ترین مرتبه اسناد آن کشور محسوب می‌شود و می‌توان مفاهیم قدرت آن کشور را در نظام بین‌الملل و نوع تعاملات و اهداف بلند مدت و کوتاه مدت و منافع ملی آن کشور را از آن استخراج نمود. اسناد سیاست خارجی روسیه که از زمره اسناد بالادستی و عالی‌ترین اسناد کشور روسیه محسوب می‌شود، از فروپاشی شوروی تا کنون به طور رسمی سه بار تغییر کرده است و به دلیل حساس‌تر شدن موقعیت روسیه پس از فروپاشی در نظام بین‌الملل خصلت تهاجمی‌تری پیدا کرده است. این اسناد در ۵ بخش مجزا قابل تأمل و بررسی می‌باشد که هر بخش آن به موضوعات متفاوتی که در برگزیده‌ی منافع داخلی و خارجی روسیه است پرداخته شده است.

در بخش اول این اسناد که به اهداف سیاست خارجی روسیه پرداخته شده، به موضوعاتی چون تأمین امنیت ملی، ایجاد زمینه‌ی مناسب در خارج برای توسعه روسیه در داخل، نظم عادلانه و دموکراتیک در جهان، تقویت نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، حمایت از منافع قانونی و مشروع شهروندان روسیه در خارج پرداخت شده که هر کدام از موارد مذکور در برگزیده‌ی اهداف و منافع داخلی و خارجی روسیه می‌باشد. اما در بخش دوم اسناد به ترسیم

وضعیت دنیایی پرداخته شده که مطلوب روسیه و آینده‌نگری نخبگان آن‌هاست که به مطالبی چون شرکت روسیه در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، تحولات اساسی و پویای در حال وقوع که نقش مؤثری بر آینده‌ی روسیه در برقراری روابط با کشورهای پیشرفته و همکاری و همگرایی در اقتصاد و سیاست جهانی و تبدیل نظم جهانی از تک قطبی به چند قطبی و سوق دادن نظام بین‌الملل به سمت نظامی جدید است، تأکید شده است.

و اما در بخش سوم آن که اولویت‌های روسیه را برای حل مشکلات جهان مطرح کرده برشمرده به موضوعاتی چون ظهور یک نظام جدید بین‌الملل مبتنی بر برابری، احترام متقابل و همکاری چند جانبه و نقش مؤثر سازمان ملل شورای امنیت و اصول منشور ملل متحد در نظام بین‌الملل، تقویت امنیت بین‌الملل، شرکای اقتصادی و زیست محیطی و همکاری بشردوستانه و حقوق بشر و حمایت اطلاعاتی برای فعالیت‌های سیاست خارجی روسیه بیان شده است و موضوعات منطقه‌ای چون ثبات خاورمیانه و حل منازعات میان فلسطین و اسرائیل، به رسمیت شناخته شدن جهان اسلام و تعامل با ملت‌های اسلامی، حل مشکلات دولت‌های آفریقایی و همکاری و تعاملات دو یا چند جانبه و حل اختلافات کشورهای ساحلی دریای خزر در آن نقش پررنگ‌تری به‌خود گرفته‌اند. در آخرین بخش این اسناد به شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی روسیه پرداخته شده که مهم‌ترین مبحث آن اشاره و تأکید بر عنوان قدرت جهانی به‌ویژه بزرگ‌ترین قدرت اوراسیای برای روسیه می‌باشد و دستیابی مجدد روسیه به هژمون جهانی که بالاترین هدف روسیه در سیاست خارجی خویش و تسلط بر کشورهای جدا شده از شوروی و باز پس‌گیری آن‌ها است (کرمی، ۱۳۸۸: ۲۴۶-۲۳۵).

در این میان می‌توان به عواملی اشاره کرد که باعث تغییر نگرش در اسناد سیاست خارجی روسیه و دکتورین‌های نظامی - امنیتی روسیه شده است که با به وقوع پیوستن این رخدادها در نظام بین‌الملل، دلیلی بر تهاجمی شدن سیاست خارجی روسیه شده است. وقایعی که می‌توان به آن‌ها اشاره نمود، ناآرامی در بالکان، حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق است که نوع نگرش دکتورین‌نویسان روسیه را به نظم بین‌الملل متحول و انعکاس آن در اسناد سیاست خارجی روسیه مشهود است. وقایع پیش آمده، عاملی در نوع حضور و تعاملات ایران در منطقه شد و عاملی در تغییر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در اسناد سیاست خارجی روسیه و دکتورین‌های آن‌ها گردید. از آن پس نوع تعاملات و همکاری‌های میان دو کشور رنگ تازه‌ای به‌خود گرفت و جمهوری اسلامی ایران تأثیرات چشم‌گیر و بسزائی در سیاست خارجی روسیه به خود اختصاص داده است.

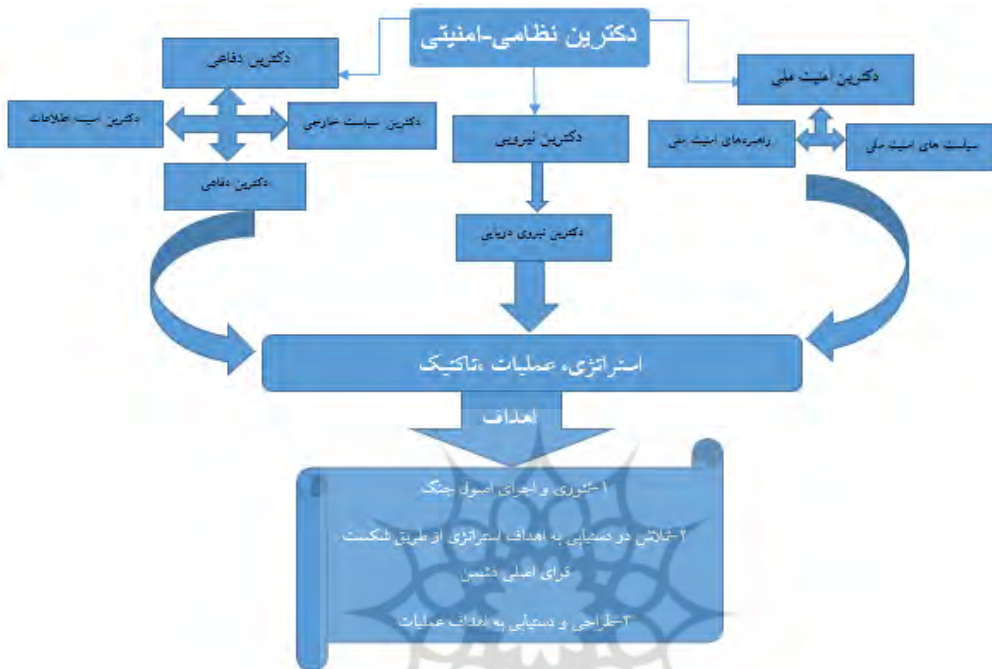


شکل شماره ۲: تقسیم‌بندی کشورها در اسناد سیاست خارجی روسیه

از دیگر اسناد بالادستی در سیاست خارجی روسیه، می‌توان به دکترین‌های نظامی-امنیتی این کشور اشاره نمود، که در برهه‌های زمانی متفاوت دست‌خوش تغییر و تحولاتی شده است و عمده این تغییرات پس از جنگ سرد و واقعه ۱۱ سپتامبر است. دکترین‌های روسیه پس از جنگ سرد و واقعه ۱۱ سپتامبر با دو رویکرد «رقابت توأم با ترس» و «همکاری توأم با پاداش»، مسیر جدیدی را در نظام بین‌الملل نهاده است. که بیش‌تر ناشی از حضور هدفمند ایالات متحده آمریکا و غرب در حوزه‌ی خارج نزدیک و حاشیه حیاتی آن کشور به‌ویژه خاور نزدیک، خاور میانه، خلیج فارس و جنوب آسیا است که منجر به افزایش توان نظامی و موشکی «سوپر کردو توپو-ام-۱» شده که قادر به عبور از سیستم دفاع ملی موشکی آمریکا است. مانورهای مشترک با چین و هند، بیان‌کننده و گویای این مطلب است.

هم‌چنین در دوران ریاست جمهوری پوتین در دهه‌ی اخیر، تصویب معاهده «استارت دو» و ارائه پیشنهاد ایجاد یک سیستم دفاع ضد موشکی مشترک اروپایی در جهت مقابله با طرح دفاع ضد موشکی آمریکا را می‌توان از رویکردهای «رقابت توأم با ترس» نام برد. از سوی دیگر رویکرد «همکاری توأم با پاداش» در سیاست امنیت ملی جدید روسیه به دنبال گسترش تعاملات دوجانبه و چندجانبه با سازمان ملل، همکاری با اتحادیه اروپا، ناتو، گروه ۸ و مابقی سازمان‌های بین‌المللی است که باید چهار مرحله «اعتمادسازی»، «همکاری»، «مشارکت و اتحاد» و «اتتلاف» را به وجود آورد که روسیه تاکنون توانسته دو مرحله‌ی اعتمادسازی و همکاری را در صحنه بین‌المللی به وجود

آورد و برای به وجود آوردن مابقی شروط نیاز به تفاهم و اراده مشترک است. در دوران پوتین کنترل تسلیحات هسته‌ای همان رویکرد همکاری توأم با پاداش می‌باشد (داداندیش، ۱۳۸۴: ۱۲۴-۹۱).



شکل شماره ۳: نمای شماتیک از دکترین نظامی مطابق با رویکرد روسیه

نگاه دکترین‌نویس‌های روس به مراتب وسیع‌تر و کلان‌تر از نگاه غرب به‌خصوص آمریکاییان است. در دکترین‌های شرق برداشتی مشترک از مطالبات دفاعی ملی بیان شده است. به‌طور سنتی دکترین‌ها در روسیه تحت تأثیر عقاید ایدئولوژیک قرار گرفته است. در دکترین‌های روسی مهم‌ترین دغدغه‌ها و سئوالات مطرح شده در خصوص جنگ‌های آتی پیش روی روسیه، ویژگی‌های ارتش، توان و ظرفیت ملی، آمادگی رزمی روسیه، محورهای اصلی مطالبات عملیاتی فناورانه و اقتصادی نیروهای مسلح و عناصر قدرت در روسیه مورد ارزیابی قرار گرفته است. هرچند طی دوره‌های متفاوت دکترین‌ها و اسناد روسیه با تغییراتی مواجه شده، اما به ذات آن‌ها لطمه و تغییری وارد نشده است. منافع ملی که اصلی‌ترین هدف اسناد و دکترین‌های روسیه است، همیشه مورد توجه و تقویت واقع شده است (دیوسالار، ۱۳۸۶: ۴۴-۹).

نخستین دکترین امنیتی نظامی روسیه در ۲۲ نوامبر ۱۹۹۳ م. تصویب شد و توجه به غرب‌گرایی در این دکترین مورد توجه قرار گرفت و تهدیدات امنیتی روسیه و بحران‌های داخلی و منازعات

قومی در بندهای آن قرار گرفته و دغدغه اصلی آن محسوب می‌شده است. هدف اصلی این دکترین حفظ منافع ملی و جلوگیری از جنگ بود. دومین دکترین که به مقوله‌هایی چون عدم گسترش ناتو به شرق و لغو پیمان ضد موشک بالستیک abs توجه خاصی داشته دو مقوله مهم سیاست خارجی روسیه را در بر می‌گرفته و در سندی که در سال ۱۹۹۷ و همچنین در سال ۲۰۰۰ منتشر شد به این مقوله‌ها توجه ویژه و خاص شده است. این دکترین جنبه‌ی تدافعی و برعکس اولین دکترین، دیگر غرب را به‌عنوان همکار خویش نمی‌دانست و سه موضع اصلی امنیت نظامی، توجه به تهدیدات خارجی و داخلی در آن به تفصیل بیان شده است. در این سند همچنین به نقش روسیه در امور بین‌الملل، سیاست‌های جهانی، روند جهانی‌سازی، مخالفت با نظام تک قطبی، نظم نوین جهانی و همکاری با کشورهای مشترک المنافع پرداخته شده است.

در سال ۲۰۰۴ اولین زمزمه‌های تغییرات پس از حوادث نوردوسک و پسلان مطرح شد و عاملی در تغییر در نگرش دکترین و اسناد سیاست خارجی روسیه به وجود آمد. در این سال پوتین خواستار بازنگری دکترین امنیتی ملی روسیه شد و به تبع آن در سال ۲۰۰۵ دستور بازنگری دکترین نظامی را صادر نمود، دکترین‌های نظامی در سه دوره و در سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۲، ۲۰۰۷، تدوین شده است. سومین دکترین که در سیزدهم می سال ۲۰۰۸ توسط مدودوف تنظیم و تصویب شد تا سال ۲۰۲۰ را مورد هدف و چشم‌انداز سیاست خارجی روسیه قرار داده است که از جمله موارد آن می‌توان به حفظ بازدارندگی هسته‌ای تا سال ۲۰۲۰ اشاره نمود. در این دکترین استفاده از سلاح هسته‌ای برای دفاع از تجاوز نظامی به روسیه و یا یکی از متحدان آن در صورت تلاش برای ضربه زدن به تمامیت ارضی این کشور پیش‌بینی شده است که علاوه بر سلاح هسته‌ای، سوخت انرژی منابع طبیعی، استفاده از نیروهای مسلح، گسترش ناتو، گسترش سلاح کشتار جمعی و تروریسم بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. شایان ذکر است که سند ۲۰۰۹ در سال ۲۰۰۴ توسط پوتین به روز و در سیاست خارجی به تصویب رسید در ۱۱۲ بند و ۶ بخش تقسیم می‌شود و به چشم اندازه‌های کلان روسیه و دنیای مدرن، شرایط جاری و روندهای توسعه منافع ملی روسیه و اولویت‌های ملی استراتژیک، تحقق امنیت ملی، بنیان‌های اطلاعاتی هنجاری - قانونی نوسازی پرداخته است. مهم‌ترین بخش این سند که در ۹ بخش جداگانه راهبردی است و در خصوص افزایش امنیت روسیه در آن پرداخته شده است. در دکترین نظامی روسیه که تغییری اساسی نسبت به سند ۲۰۱۰ ندارد به موضوعات دیگری چون تأمین منافع روسیه در قطب شمال، متحدان با دو جمهوری آبخیزیا و استیلای جنوب و خطر شرکتهای نظامی خصوصی خارجی به آن اضافه شده است، همچنین در سند نظامی ۲۰۱۴ که در ماده ۲۶ آن به افزایش توان نظامی و اقدام برای ثبات راهبردی و بازدارندگی ضروری به میان آمده است اعلام می‌کند که روسیه در چارچوب انجام فعالیت‌های بازدارندگی قهری راهبردی، استفاده از سلاح‌های بسیار دقیق‌تر را بررسی می‌کند (www.offiziere.ch,2014).

هم‌چنین از جمله موارد مهم در سند ۲۰۱۴ می‌توان به الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه در تاریخ ششم مارس ۲۰۱۴ اشاره نمود. نمایندگان پارلمان شبه‌جزیره کریمه به اتفاق آرا به پیوستن کریمه به روسیه رأی مثبت دادند و در یازدهم مارس ۲۰۱۴ اعلامیه استقلال کریمه و سواستوپل منتشر شد. در ۱۶ مارس یک همه‌پرسی مردمی در کریمه برای پیوستن به روسیه برگزار گردید و نهایتاً ۹۳ درصد شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی به الحاق این شبه جزیره به روسیه رأی مثبت دادند. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در روز هجدهم مارس رسماً سند الحاق کریمه به کشور روسیه را امضا و آن را جزء جدایی‌ناپذیر کشور روسیه خواند. هرچند که این اقدام و پیوستن، از سمت کشورهای غربی با واکنش‌های تندی مواجه گردید و اقدام روسیه را اقدامی تجاوزکارانه و نظامی خواندند (Fa.wikipedia.org, 1395).

اما در سند جدید استراتژی امنیت ملی روسیه که در روزهای آخر سال ۲۰۱۵ میلادی به وسیله رئیس‌جمهور روسیه امضا شد با واکنش‌های زیادی از رسانه‌های غربی روبرو شد. این سند جایگزین نسخه‌ی سال ۲۰۰۹ میلادی است که به تأیید دمتری مدودف رئیس‌جمهوری وقت روسیه رسیده بود و در آن آمریکا و ناتو به‌عنوان تهدید مستقیم علیه روسیه نامی برده نشده بود، اما در سند استراتژی امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۱۵ دغدغه و اقدامات مسکو برای حراست از امنیت ملی روسیه مشخص گردیده است. مبارزه با تروریسم و مقابله با گسترش ناتو به شرق و مبارزه با اقدامات آمریکا در رأس این سند استراتژی امنیتی قرار گرفته و سیاست نگاه به شرق به ویژه حوزه آسیا و اقیانوس آرام را انتخاب تا در این محیط جدید به توسعه روابط اقتصادی تجاری و انرژی بپردازد (میرطاهر، ۱۳۹۴). هم‌چنین سند راهبرد امنیت ملی، برای تأمین امنیت مرزها، از قصد روسیه برای استقرار سامانه‌های دارای تکنولوژی پیشرفته چند منظوره خبر می‌دهد. ماده ۳۹ این سند بر افزایش آمادگی بسیج نیروها و حفظ سطح کافی ظرفیت نظامی - فنی سازمان نظامی و هم‌چنین آماده‌سازی اقتصادی تأکید می‌کند (www.ieee.es, 2015).

با تصویب سند سیاست خارجی ۲۰۱۶، سند ۲۰۱۳ که در تاریخ ۱۲ فوریه به شماره ۲۵۱ به تصویب رسیده بود فاقد اعتبار و سند جدید جایگزین آن گردید. در این صنعت نیز همانند سندهای پیشین حفظ منافع داخلی و خارجی روسیه در رأس اولویت‌های سیاست خارجی قرار گرفته است. و به مسائل داخلی و بین‌المللی از جمله حفظ تمامیت ارضی و حفاظت از مرزهای روسیه و نگرانی از مرزهای جنوبی و مقابله با گسترش اغتشاشات در داخل کشور و هم‌چنین مبارزه با تروریسم و اسلام افراطی و مبارزه با داعش در کشورهای آفریقایی و سوریه مطرح شده است و حل مناقشات داخلی افغانستان و برگرداندن امنیت و آرامش در سوریه به‌عنوان کشورهای منطقه در اولویت سیاست‌های خارجی این سند قرار گرفته است. هم‌چنین به گسترش مشارکت‌های اقتصادی در اوراسیا و انجام تعاملات دوستانه با اتحادیه اروپا و حفظ آرامش در ارتباطات با غرب، آمریکا و حفظ احترام متقابل مطرح گردیده است. هم‌چنین روسیه خود را به‌عنوان قدرتی جهانی ملزم به حفظ و کنترل نظم

جهانی دانسته و مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان اقتصادی اوراسیا و سازمان‌های اسلامی و یا مشارکت در سازمان شانگهای را در گسترش روابط با کشورهای دیگر دانسته است (ایراس، ۱۳۹۵).

در دیگر دکترین‌های امنیتی روسیه به موضوعاتی چون تقویت امنیت در خلیج فارس و یا تقویت نیروهای نظامی و تسهیلات جنگی چون وسایل نقلیه بدون سرنشین همراه با موشک‌های بالدار نسل جدید و دیگر سلاح‌های دوربرد و امنیت انرژی فدراسیون روسیه پرداخته شده است. شایان ذکر است که روسیه در خصوص دکترین امنیت انرژی فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۳۰ را در خصوص توسعه علمی و تکنولوژی و تا سال ۲۰۲۵ را در زمینه امنیت ملی به تصویب رسانده است.

از دیگر اسناد بالادستی که در سیاست‌گذاری سیاست خارجی روسیه نقش بسزایی دارد، قانون اساسی این کشور می‌باشد. بر اساس فصل چهارم ماده ۸۹ قانون اساسی روسیه، رئیس‌جمهوری فدراسیون خطوط کلی سیاست داخلی و خارجی دولت را در انطباق با قانون اساسی فدرال روسیه تعیین می‌کند و بر اساس فصل چهارم ماده هشتاد و ششم قانون اساسی روسیه، سرپرستی و هدایت سیاست خارجی فدراسیون روسیه بر عهده ریاست جمهوری کشور می‌باشد. قانون اساسی مهم‌ترین سند حقوقی در فدراسیون روسیه می‌باشد؛ با توجه به اصل ۶۵ این قانون، ساختار فدرال کشور تشریح شده است بر این اساس، فدراسیون روسیه متشکل از تعدادی جمهوری، ۶ ناحیه خودگردان، ۱۰ ناحیه خودمختار، تعدادی منطقه، دو شهر فدرال مسکو و سن پترزبورگ و یک منطقه خودمختار یهودی نشین است (کولایی، ۱۳۷۷). در ادامه مبحث به نقشه ایران در دکترین‌ها و اسناد سیاست خارجی روسیه خواهیم پرداخت.

۴. نقش و جایگاه ایران در اسناد روسیه

دو رخداد مهم عاملی مؤثر در روابط سیاسی دو کشور ایران و روسیه ایجاد کرد، اول انقلاب اسلامی در ایران و دومین فروپاشی اتحاد شوروی که از آن پس بسیاری از نیازهای داخلی در کشور و تهدیدات مشترک برای دو کشور در محیط بین‌الملل ایجاد شد و عاملی در ایجاد همکاری‌های مشترک در جهت دستیابی به اهداف مشترک شد از جمله این موارد می‌توان به همکاری‌های هسته‌ای دو کشور پس از انقلاب اسلامی اشاره نمود که نقش بسزایی در اسناد سیاست خارجی روسیه در قبال ایران را ایفا نموده است (جعفری و میر جمالی، ۱۳۸۹: ۱۵۶). و با روی کار آمدن پوتین به‌عنوان ریاست جمهوری روسیه، تغییر نگرش‌های محسوسی در سیاست خارجی و دکترین‌های روسیه پیش آمد که به‌مثابه آن ایران در جایگاه‌های متفاوتی در طی دوره‌های متوالی تاکنون ایفای نقش کرده است. در دوره‌های جمهوری اسلامی ایران در اسناد سیاست خارجی روسیه به‌عنوان متحد مطمئن و قابل اتکا در منطقه و جهان و یا متحدی طبیعی در برابر دشمنان مشترک و

در سوی دیگر تهدید جنوبی و در دوره اخیر جایگاهی چون ابزاری برای تنظیم روابط با غرب مورد شناسایی قرار گرفته است. ذینفع بودن قدرت‌های فرامنطقه‌ای در پی کیفیت مناسبات جمهوری اسلامی ایران با روسیه در شکل‌دهی به نگاه روسیه به ایران در اسناد و دکترین‌هایش بی‌تأثیر نبوده است (شاد، ۱۳۹۸).

در اسناد و دکترین روسیه که در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسیده و تغییرات اساسی در اصول سیاست خارجی روسیه در قبال غرب دیده می‌شود. عزم روسیه در انتقال تکنولوژی نظامی و فروش جنگ‌افزار به کشورهای چون ایران، چین و هند، تأکید بر جدایی‌ناپذیری جزایر کوریل از روسیه، مخالفت با گسترش ناتو، اقدامات نظامی در سرزمین‌های شوروی سابق همانند آبخازستان، تاجیکستان، آذربایجان، مولداوی، چین و مخالفت با جنگ ناتو علیه صربستان از مهم‌ترین رفتارهای بود که غربی‌ها را نسبت به تغییر نگرش در دکترین و اسناد سیاست خارجی روسیه نگران ساخت. از موارد قابل اهمیت و قابل ذکر که عاملی در نگرانی غربی‌ها در نوع نگرش جدید روسیه به شرق بود، مخالفت با حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و گسترش روابط با ایران، ترغیب شرکت‌های روسیه گازپروم برای فعالیت در میادین نفت و گاز جنوب و نیز بهبود بخشیدن به همکاری صلح‌آمیز با تهران و مخالفت با اقدامات نظامی آمریکا و انگلیس در عراق از دیگر اقدامات سیاست جدید روسیه می‌توان نام برد (کرمی، ۱۳۸۲: ۶۰). رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بلوغ سیاست خارجی روسیه پوتین را شتاب بخشید. دوران ریاست جمهوری پوتین به وجود آوردن معنای جدید و سیاست متفاوت در دکترین‌های سیاست خارجی برای شرق بوده است. از این‌رو در دکترین نظامی روسیه، ایجاد صلح و ثبات در مناطق هم‌جوار و حفظ صلح و آرامش و مقابله با مناقشات قومی و مذهبی و همکاری‌های نظامی با ایران و مسائل مربوط به استفاده ایران از انرژی هسته‌ای و دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز جزء مسائل راهبردی سیاست خارجی روسیه در قبال ایران محسوب می‌شود که به آن‌ها در اسناد سیاست خارجی روسیه توجه خاصی شده است (مرادی، ۱۳۷۵: ۹۵).

همکاری توأم با پاداش و همکاری توأم با ترس در نظام بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی در سیاست جدید امنیت ملی و دکترین‌های خویش در صحنه بین‌المللی ایفای نقش کرده است که در رویکرد همکاری توأم با پاداش همکاری صرف برای دریافت پاداش است و لازمه ایجاد آن تفاهم و اراده مشترک می‌باشد. مسکو با ورود به مذاکرات شش جانبه هسته‌ای کره شمالی و نیز مذاکرات هسته‌ای ایران در راستای این رویکرد ارزیابی می‌شود (داداندیش، ۱۳۸۴: ۱۲۴-۹۱).

در سند ۲۰۰۰ سیاست خارجی روسیه، ایران به‌عنوان همکار بسیار مهم روسیه مورد توجه واقع شده است و در این سند به همکاری‌های هسته‌ای و همکاری‌های چندجانبه با کشورهای ساحلی که ایران در زمره‌ی آن‌ها اشاره شده. در سند ۲۰۰۸ سیاست خارجی روسیه، به همکاری‌های منطقه‌ای در سطح دریای خزر بسیار تأکید شده که ایران به‌عنوان مهم‌ترین کشور ساحلی مورد

توجه واقع شده است. در سفر پوتین به تهران برای شرکت در نشست یکی از بندهای بیانیه پایانی تقویت همکاری‌های چندجانبه و ایجاد مکانیزم‌های پایدارتر برای همکاری در عرصه دریای خزر بوده است (کرمی، ۱۳۸۷: ۲۴). مسئله دریای خزر و رژیم حقوقی آن همواره روابط ایران و روسیه را تحت تأثیر قرار داده است. برای روسیه منابع انرژی دریای خزر بیش از اهمیت اقتصادی دارای جلوه‌های سیاسی امنیتی بوده است (کولایی، ۱۳۸۷: ۲۱۴-۲۱۱).

در اسناد سیاست خارجی روسیه با توجه به رده‌بندی کشورها، کشور ایران در رده‌ی کشورهای همکار و همکار استراتژیک قرار گرفته است. از دیدگاه پوتین ایران شریک مهم سیاست خارجی روسیه و شریک راهبردی محسوب می‌شود و این نکته در اسناد سیاست خارجی روسیه بدان اشاره گردیده. ایران شریک راهبردی روسیه است و شریک استراتژیک و این مهم در سند ۲۰۱۶ که جدی‌ترین و مهم‌ترین سند سیاست خارجی روسیه است بدان پرداخته شده و توسعه و همکاری همه جانبه با جمهوری اسلامی ایران را دنبال می‌کند. اما در اسناد ۲۰۰۹ اسمی از ایران برده نشده چرا که در این سند بیش‌تر به تهدیدات و متحدان پرداخته شده که ایران نه در زمره تهدید و نه در جایگاه متحده روسیه است (کرمی، ۱۳۹۸).

شایان ذکر است در آخرین سند راهبرد امنیتی ملی روسیه که در سال ۲۰۰۹ به تصویب رسیده و چشم انداز آن تا سال ۲۰۲۰ در نظر گرفته شده که این سند مشتمل بر ۱۱۲ بند و شش بخش است در آن به اهداف سیاست خارجی و امنیتی فدراسیون روسیه و تحقق راهبرد قدرت بزرگ مدرن هنجارمند یا به عبارت ساده‌تر تحقق دستیابی روسیه در بازگشت به هژمون جهانی پرداخت شده است و برای به دست آوردن این مهم به عواملی چون فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی و تقابل و جهت‌گیری‌های آن‌ها را بیان داشته. تجارت و روابط چند جانبه با کشورهایی چون ایران در نظامی چندقطبی مد نظر قرار داده شده است (زهرانی و فرجی، ۱۳۹۳: ۷۰).

شایان ذکر است پس از الحاق شبه جزیره کریمه در سال ۲۰۱۴ به روسیه و همه‌پرسی، ۹۳ درصد از مردم شبه جزیره در پیوستن به روسیه، نماینده دومای روسیه نیز از مقامات و مجلس شورای اسلامی ایران خواست تا پیوستن کریمه را به روسیه به رسمیت شناخته و با رسمیت شناختن آن به روسیه از سوی ایران این حرکت را حرکتی مثبت در جهت تحکیم پیشبرد روابط دوجانبه تهران-مسکو بدانند. در این درخواست حمایت ایران را از روسیه نه تنها در بهبود اقتصادی بلکه در بعد نظامی و سیاسی به ویژه در مبارزه با تروریسم و جنگ علیه داعش ایران را به عنوان شریک روسیه معرفی کرده است (پایگاه خبری خبر آنلاین، ۱۳۹۵).

در پی تأیید و تصویب سند ۲۰۱۵ روسیه و با توجه به کاهش قیمت نفت و کاهش روابط تجاری کشور ایران با چین به میزان ۳۰ درصد روابط تجاری ایران و روسیه ۷۰ درصد افزایش یافت و ۱۵ سند همکاری بین ایران و روسیه در جهت گسترش ارتباطات دارویی و پزشکی به امضا رسید. در این سند که به ایران به عنوان شریک مهم در زمینه ژئوپلیتیک در خاورمیانه نگریسته شده است،

گسترش روابط میان دو کشور به چشم‌اندازهای انرژی، صنایع اتمی؛ نفت و گاز حمل و نقل، دارویی، کشاورزی اهمیت بیش‌تری داده شده‌است (پایگاه خبری ایسنا، ۱۳۹۵).

هم‌چنین در سند امنیتی ۲۰۱۶ روسیه فصل چهارم بند ۶۰ بر همکاری پنج کشور ساحلی خزر که ایران یکی از این پنج کشور می‌باشد، بر ضرورت تحکیم روابط و تعامل و حفظ پایداری و اتخاذ تصمیمات جمعی تأکید شده است و هم‌چنین در بند ۹۰ سند روسیه خط مشی توسعه همه‌جانبه همکاری با جمهوری اسلامی ایران را بیان و هم‌چنین در اجرای مداوم توافق جامع هسته‌ای ایران بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد مصوب ۲۰ جولای ۲۰۱۵ میلادی متناسب با تصمیمات شورای حکام آژانس اتمی می‌کوشد و به‌طور همه‌جانبه به این روند مساعدت می‌نماید (ایراس، ۱۳۹۵).

اما باید توجه داشت جمهوری اسلامی ایران با پیشرفت در زمینه‌های امنیتی-نظامی و گسترش فناوری هسته‌ای خود مورد توجه روسیه و سیاست‌های پوتین است، به‌طوری که ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ خود بیان داشته که ایران باید تا این سال به‌عنوان قدرت منطقه‌ای ایفای نقش نماید. قدرت منطقه‌ای بودن هزینه‌های زیادی را برای کشورمان در بردارد که با تعامل و همکاری دو کشور ایران و روسیه این هزینه را می‌توان به حداقل رساند و از همه مهم‌تر ایجاد یک رابطه راهبردی امن و مطمئن با کشور روسیه می‌تواند دلیلی بر تغییر و توجه خاص ایران در اسناد و دکتین روسیه و عاملی در بازگشت روسیه به هژمون جهانی باشد.

۵. پیامدهای همکاری ایران و روسیه در اسناد سیاست خارجی و دکتین‌های

روسیه

با پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و خروج ارتش سرخ از افغانستان و به‌دنبال آن فروپاشی شوروی و دور شدن مرزهای ایران و شوروی تا آن سوی قفقاز شمالی روابط سیاسی دو کشور به گونه ریشه‌دار و بنیادین دچار دگرگونی و تحول شد که در آن منطق ژئوپلیتیک عوض و نیازهای داخلی دو کشور و تهدیدهای مشترکی که برای دو کشور در محیط بین‌المللی ایجاد شد آن‌ها را به همکاری برای کسب منافع مشترک و هم‌چنین رقابت‌کشاند که باعث حضور روس‌ها در کناره خلیج فارس برای ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر عاملی در نزدیکی و قدم‌های اولیه برای تعاملات بیش‌تر ایران و روسیه و دلیلی بر نگرانی غرب نسبت به شرق را فراهم ساخت.

شایان ذکر است بعد از این دو واقعه‌ی مهم که برای ایران و روسیه پیش آمد کرد، جمهوری اسلامی ایران جایگاه متفاوتی در اسناد سیاست خارجی و دکتین‌های امنیتی-نظامی روسیه پیدا کرد. اما در برهه‌هایی این تعاملات و روابط به تیرگی و در بعضی از برهه‌های زمانی، عاملی در

نزدیکی بیش‌تر میان دو کشور گردیده است. به اختصار به عوامل تیرگی روابط که باعث سردی در روابط میان ایران و روسیه شده است تیتروار می‌پردازیم:

- همکاری شوروی با کمونیست‌های داخلی در زمان جنگ ایران و عراق.
- آتلانتیک‌گرایی روسیه در سیاست خارجی که توجه چندانی به ایران نداشت.
- بروز برخی مسائل در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، برخورد منافع دو کشور که می‌توان به همکاری اقتصادی ایران با آسیای مرکزی اشاره نمود که به نفع روسیه نبوده است.
- نگرانی از گسترش اسلام در منطقه.
- تغییر نگرش روسیه نسبت به مسائل حقوقی دریای خزر، عمل نکردن به توافق‌های پیشین خود.
- چالش و تغییر در تحویل سامانه‌های پیشرفته موشکی اس ۳۰۰.

- موافقت روسیه با تحریم علیه ایران در خصوص تعلیق غنی‌سازی اورانیوم در ایران (Koolae, 2009: 6).

مواردی که ذکر شد هر کدام تغییر نگرش‌هایی را در اسناد و دکترین سیاست خارجی روسیه به دنبال داشته است. اما به وضوح ذکر این نکته قابل تأمل و بررسی است که بعد از روی کار آمدن پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهوری روسیه و تغییر در نگرش‌های وی در اسناد و سیاست خارجی و دکترین‌های روسیه و هم‌چنین در تغییر نگرش و رفتار جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود عواملی در بهتر شدن روابط میان تهران-مسکو ایجاد شد. از همه مهم‌تر وجود اهداف مشترک میان دو کشور برای حفظ منافع ملی و حفظ نظم بین‌المللی از مهم‌ترین عوامل تعاملات و روابط بوده است.

به اعتقاد روس‌ها، تضعیف نظام بین‌الملل و استفاده از قدرت نظامی بدون مجوز سازمان ملل (اشاره به برخی اقدامات آمریکا) از مهمترین عوامل اثرگذار بر شرایط نظامی-سیاسی جهان است و قرار گرفتن تروریسم در کنار آمریکا و ناتو به‌عنوان سه رأس اصلی هرم‌های تهدیدات مشترک میان ایران و روسیه می‌باشد. بالاخص پس از واقعه ۱۱ سپتامبر در آمریکا عاملی جدی در نزدیکی و همکاری‌های میان دو کشور برای مبارزه با تروریسم، مبارزه با نظام تک‌قطبی و تلاش در جهت گسترش نظام چند قطبی به وجود آمده است. در این میان اقتدار روسیه در برابر غرب را برای مبارزه با تروریسم جهانی و مبارزه در جهت سیاست‌های نظامی آمریکا را ناشی از شخصیت پوتین می‌دانند و عواملی چون گروه‌ها، نگرش‌ها، افکار عمومی، رسانه و عوامل اقتصادی تأثیر بسزایی در انعکاس و تأثیرگذاری سیاست خارجی روسیه داشته است (جعفری و میرجمالی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

پس از روی کار آمدن پوتین و تغییراتی که در اسناد سیاست خارجی این کشور به وجود آمد همکاری با کشورهای خاور نزدیک و منطقه در جهت حفظ منافع روسیه و گسترش همکاری‌های اقتصادی- سیاسی در رأس موارد با اهمیت اسناد قرار گرفت، به طوری که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان همسایه‌ی روسیه و به دلیل جایگاه خاص و ویژه‌ی ژئوپلیتیک از اهمیت ویژه‌ای در دکترین‌های روسیه به خود اختصاص داده است. و به‌عنوان یکی از کشورهای ساحلی دریای خزر اهمیت ویژه‌ای برای روس‌ها داشته که برای روسیه رژیم حقوقی دریای خزر بیش از اهمیت اقتصادی دارای جلوه‌های سیاسی- امنیتی می‌باشد که متأسفانه در برهه‌هایی به دلیل رعایت نکردن برخی وعده‌هایی که توسط روس‌ها بدان‌ها عمل نشده، رفتارهای در خصوص رژیم حقوقی دریای دریای خزر در میان دو طرف پیش آمده است که عاملی در تیرگی و سردی روابط شده است. از دیگر تهدیدات و اهداف مشترک ایران و روسیه می‌توان به نگرانی دو کشور در خصوص گسترش ناتو به شرق اشاره نمود که حفاظت از مناطق روسیه و حفظ تمامیت ارضی روسیه از اولویت‌های اولیه و مهم اسناد و دکترین‌های روسیه قلمداد می‌شود. هم‌چنین حفظ منافع کشورهای دوست و همکار روسیه نیز در دکترین‌های آن پرداخته شده و در صورت تهدید و یا به خطر افتادن این کشورها روسیه تمام تلاش خود را در جهت کمک به آن‌ها خواهد نمود که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان شریک راهبردی و همکار مهم روسیه، در زمره‌ی این کشورها قرار دارد (کولایی، ۱۳۸۷: ۲۱۴-۲۱۱)

یک سری از عوامل دیگر نیز باعث گرم شدن روابط دو کشور شد که می‌توان به جنگ داخلی تاجیکستان و میانجیگری ایران اشاره نمود که راه و مسیر دو کشور را برای توسعه اقتصادی و سیاسی هموار نموده است. از اهداف اقتصادی آن می‌توان به بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در خارج نزدیک و منافع عمومی فرهنگی و جلوگیری از اسلام افراطی نام برد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۱۰ و ۱۱۱)؛ و هم‌چنین همکاری بانکی دو کشور که نکته‌ی مثبتی در ایجاد و گسترش تعاملات اقتصادی دو کشور و سطح مبادلات تجاری بین دو کشور را افزایش داده است و تلاش در سیاست خارجی هر دو کشور آن است که برای مبادلات تجاری خود از دلار فاصله بگیرند.

از امضای قرارداد تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران در سال ۱۳۲۹ تاکنون، انرژی هسته‌ای طی دوره‌های متوالی از فراز و نشیب و اتفاقات متفاوتی گذر کرده است، که مهم‌ترین رویداد آن را می‌توان در ۲۶ بهمن ۱۳۹۰ (۱۵ فوریه ۲۰۱۲) از ساخت میله سوخت هسته‌ای ۲۰ درصد غنی شده و بارگذاری آن در راکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی تهران خبر داد. پس از انتشار این خبر اتفاقات زیادی میان ایران و نهادهای بین‌المللی پیش آمد که منجر به صدور چندین قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل، آمریکا، اروپا و اعمال تحریم‌های وسیعی علیه ایران از کشورهای جهان صورت گرفت. تا این‌که پس از امضای توافق ۱+۵ توسط ایران، برنامه هسته‌ای ایران به‌طور نسبی متوقف شد. انرژی هسته‌ای ایران برای روسیه بسیار حائز اهمیت است و

همکاری با ایران را منوط به همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بیان کرده است (کریمی، ۱۳۸۸: ۷۱-۵۶)

روسیه اهداف متعددی را از حمایت ایران از صلح آمیز بودن فعالیت هسته‌ای دنبال می‌کند، که می‌توان به کنترل ایران از حفظ و ممانعت از گسترش فناوری هسته‌ای نام برد. چرا که روسیه در اسناد سیاست خارجی خود در خصوص بازدارندگی هسته‌ای و نقش سلاح‌های هسته‌ای برای تأمین امنیت ملی روسیه بیان داشته و این مطلب را که در سند دکترین در سال ۲۰۱۴ به تصویب رسانده و در بازنگری و تغییر در آخرین سند خود که در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۰ به شماره ۳۵۵ به تصویب رسانده استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را در مقابل دشمن و اقدامات تهاجمی حق مسلم خود دانسته است. روسیه به هشدار کشتارهای اخیر آمریکا و تحریم‌های اعمال شده مسکو به خاطر تبعیت نکردن از هشدارها و اهداف آمریکا در خصوص فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران بی‌اعتنایی کرده که در گذشته و در سیاست پیشین روسیه هدف از حمایت ایران کسب امتیاز از غرب و کنترل نظم جهانی بوده است (ایراس، ۱۳۹۹).

آمار دقیق سرمایه روسیه از برنامه هسته‌ای محرمانه است، اما برآوردهای غیر دقیق حدود ۸۰۰ تا ۱ میلیارد دلار را نشان می‌دهد و این مبلغ توانست کمک زیادی را به صنعت هسته‌ای روسیه و سایر بخش‌های آن که به واسطه تجزیه شوروی و هرج و مرج اقتصادی که در اوایل دهه ۹۰ تحت تأثیر شدید قرار گرفته بود، بنماید. از این جهت، روسیه به سرمایه ایران نیاز شدید دارد. تلاش‌های بی‌وقفه روسیه در جهت اعاده قدرت گذشته و ادغام در اقتصاد جهانی می‌باشد. عضویت در سازمان‌های اقتصادی جهانی، وجه شاخص این رویکرد است. معاون نخست وزیر فدراسیون روسیه، ادغام اقتصاد روسیه در اقتصاد جهان را از اساسی‌ترین وظایف دولت به شمار آورده است. روسیه سهم بسزایی در روند پرونده هسته‌ای ایران داشته و در محدوده منافع خود از ایران دفاع کرده و بیش‌ترین مشارکت را در برنامه هسته‌ای، ساخت نیروگاه و در روند پیگیری آن داشته است؛ به طوری که هر چند به صورت مبهم، ولی در میان کشورهای بزرگ، امید اول ایران محسوب می‌شود. از طرفی، موضوع همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه در سال‌های اخیر به موضوعی برای چانه‌زنی آمریکا و روسیه تبدیل شده است.

از دیدگاه روسیه، بازار هسته‌ای ایران، صحنه یک رقابت استراتژیک است و روسیه نمی‌تواند به راحتی آن را واگذار نماید. از سوی دیگر، روسیه همیشه درگیر رقابت شدید با غرب است و به همین دلیل، هیچ وقت ایران را به‌طور کامل از دست نمی‌دهد. از دیدگاه کلان می‌توان نیاز به هم‌گرایی در اقتصاد جهانی، تعهد به حفظ ثبات استراتژیک و تلاش برای حفظ رابطه با ایران در یک رقابت استراتژیک را به منزله‌ی مبانی سیاست روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران برشمرد. از سوی دیگر، روسیه، ترک بازار ایران را به منزله خطر برای خود تلقی می‌کند که ممکن است توسط رقیبانش پر شود. برای همین در حدود منافع خود، از ایران و منافع‌اش دفاع می‌کند. مسکو به این نکته استناد

می‌کند که برنامه هسته‌ای ایران، ناقض بندهای معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی نیست. به علاوه، ایران به منظور شفاف‌سازی و برای جلب اعتماد به برنامه‌های هسته‌ای خود، تمامی شروط پروتکل الحاقی معاهده ان پی تی را رعایت کرده است. بنابراین، دلیلی برای ترک همکاری‌های هسته‌ای با ایران وجود ندارد. با وجود این، روسیه، ثبات استراتژیک را در گرو همکاری با غرب و حفظ ایران را در حوزه رقابت استراتژیک با غرب تعریف کرده است.

در بخش هسته‌ای، بسیاری از تحلیل‌گران ایران و روسیه، ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر را به عنوان سمبل همکاری دو کشور مطرح کرده‌اند که ارزش احتمالی آن در حدود ۸۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. انعقاد چنین قراردادی با ایران برای اقتصاد و صنعت هسته‌ای روسیه، سود کلانی داشته است و کمک شایانی را به طرح‌های نظامی هسته‌ای کرده است. برای اجرای این قرارداد ۳۰۰ شرکت روسی به کار گرفته شدند. اظهارات فوق مؤید آن است که تداوم حضور در بازار هسته‌ای ایران که نقش مهمی در کسب درآمدهای ارزی روسیه دارد، برای این کشور بسیار حائز اهمیت بوده و مقامات روسی با جدا کردن این مقوله (برنامه‌های هسته‌ای ایران) از سایر روابط، به سختی حاضر به رها کردن آن در مقابل فشارهای سیاسی و مشوق‌های اقتصادی آمریکا و اروپا خواهند بود. به نظر می‌رسد مقامات آمریکایی و اروپایی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که نیل به توفیق در مقابله با برنامه هسته‌ای ایران به تنهایی میسر نبوده و جلب مشارکت روسیه تعیین‌کننده خواهد بود. در سند تدبیر سیاست خارجی روسیه که در سال ۲۰۰۰ منتشر گردید، رابطه با ایران از جمله اولویت‌های سیاست خارجی این کشور عنوان گردیده است. در سندی با عنوان (بررسی سیاست خارجی روسیه) در سال ۲۰۰۷ نیز این اولویت‌بندی محفوظ مانده است. از نظر رابرت فریدمن، تحلیلگر ارشد مسائل خاورمیانه، در بین دولت‌های خاورمیانه، شاید برای روسیه هیچ کدام مهم‌تر از ایران نباشد. اهمیت موقعیت استراتژیک ایران در خلیج فارس، به‌عنوان یک شریک تجاری و روابط و منافع ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، توجه مسکو را به خود جلب کرده است. روسیه، ایران را به عنوان بازار مهمی برای سلاح‌ها و نیز نیروگاه هسته‌ای و به‌عنوان راهی برای نشان دادن استقلال خود از آمریکا ارزیابی می‌کند.

دقت در روابط سال‌های اخیر میان ایران و روسیه نشان می‌دهد بیش از آن که اقتصاد، تجارت، روابط اجتماعی یا دیگر موضوعات، زمینه‌ی نزدیکی دو کشور را فراهم کرده باشند، این همکاری‌های امنیتی بوده است که امکان تحکیم روابط سیاسی دو کشور را فراهم آورده است. در حقیقت به‌نظر می‌رسد ایران و روسیه در مسیر نوعی هم‌گرایی امنیتی گام برمی‌دارند که به موجب آن، ساختارهای امنیتی دو کشور به‌صورت نهادینه‌شده‌تری در پی ایجاد یک فهم امنیتی مشترک هستند. روابط امنیتی میان ایران و روسیه اکنون به مراتب فراتر از همکاری نظامی در سوریه است؛ زیرا دامنه‌ی وسیعی از همکاری‌های اطلاعاتی و تسلیحاتی تا هماهنگ‌سازی سیاست‌های امنیت منطقه‌ای را در بر می‌گیرد. این به آن معنی است که با پایان نسبی همکاری نظامی ایران و روسیه

در سوریه، هم‌گرایی امنیتی ایران و روسیه پایان نخواهد یافت. اهمیت این موضوع زمانی برجسته‌تر می‌شود که در تاریخ جمهوری اسلامی چنین عمقی از همکاری‌های امنیتی بی‌سابقه بوده است. هم‌گرایی امنیتی موتور پیشران روابط ایران و روسیه از ۲۰۱۴ تاکنون بوده است و به‌نظر می‌رسد در سال‌های آینده نیز هم‌چنان بستر اصلی شکل‌دهنده روابط دو کشور باقی بماند (دیوسالار، ۱۳۹۸).

<p>فرهنگی</p> <ul style="list-style-type: none"> • تماس‌های علمی • میزبان دانشجو • ترجمه کتاب‌های علمی، ادبی • اطلاع‌رسانی در خصوص رشته‌های متفاوت • میزبان فرهنگی در زمینه تئاتر و سینما • گذرگاه رفت و آمدهای ورزشی • گفتگوی بین‌اندیشی 	<p>امنیتی</p> <ul style="list-style-type: none"> • حفظ منافع مشترک در قفقاز شمالی • حفظ صلح و ثبات در خاورمیانه • ایجاد ثبات و بازدارندگی مناقشات قومی و مذهبی در آسیای مرکزی • حفظ منافع مشترک در دریای خزر • میزبان یا تروریسم و قاچاق مواد مخدر • امنیت انرژی در منطقه 	<p>نظامی</p> <ul style="list-style-type: none"> • خرید تجهیزات نظامی • میزبان با گروه‌های تکمیلی در منطقه • جلوگیری از گسترش اسلام افراطی • انجام مانورهای مشترک نظامی
<p>سیاسی</p> <ul style="list-style-type: none"> • مقابله از نفوذ و دخالت غرب در شرق • میزبان با نظام تک‌قطبی در جهان • جلوگیری از گسترش ناتو به شرق 	<p>اقتصادی</p> <ul style="list-style-type: none"> • حمل و نقل • حفظ منافع مشترک اقتصادی در دریای خزر • واردات و صادرات محصولات کشاورزی • صنعت داروسازی و بهداشت • صنعت و معدن • اتحادیه‌های اقتصادی (اوراسیا) 	<p>انرژی</p> <ul style="list-style-type: none"> • انجام همکاری‌های هسته‌ای • ساخت نیروگاه بوشهر • ساخت نیروگاه 1400 مگاواتی هرمزگان

شکل شماره ۴: همکاری راهبردی و استراتژیک ایران و روسیه

۶. نتیجه‌گیری

بعد از ۱۱ سپتامبر و تغییر در نگرش سیاسی روسیه در اسناد و دکترین‌هایش و مجازات‌های اقتصادی غرب علیه ایران و روسیه نه تنها عاملی در تیرگی روابط و گسستگی آن نشد بلکه با هدف‌های مشترک و حفظ منافع داخلی و خارجی خود توانستند به این روابط زنجیره‌ای مستحکم و پایدارتر اعمال نمایند و آن را در دکترین‌ها و اسناد بالادستی سیاست خارجی روسیه در سال‌های ریاست جمهوری پوتین می‌توان مشاهده نمود. شایان ذکر است در برخی از برهه‌های زمانی متأسفانه جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط داخلی و سیاست‌های حاکم بر روابط خارجی

نتوانسته از موقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و ... بهره‌ی لازم را ببرد و امتیازاتی را از دست داده است؛ اما این موضوع دلیل بر تضعیف روابط میان دو کشور نشده و با اقدامات مشترک و همکاری‌های راهبردی در منطقه به جبران آن پرداخته‌اند و با حفظ منافع و نزدیک‌تر شدن به اهداف مشترک جایگاه ویژه‌ای در اسناد سیاست خارجی روسیه به دست آورد، به طوری که از ایران به‌عنوان همکار و شریکی راهبردی در این اسناد نام برده شده است.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با گزینش مسیرهای درست و هدف‌های مشترک بیشتر، بیش‌ترین بهره و امتیازات را از روابط با کشور روسیه به‌دست آورد و به بالاترین درجه در میان کشورهای دوست و همکار روسیه دست یابد. این امر محقق نمی‌گردد، مگر با به کارگیری نخبگان و دکترین‌نویس‌هایی که بتوانند با توجه به شرایط و موقعیت‌های موجود و امکانات کشور مقابل بهترین و سودمندترین راه‌ها را برگزیده و آن‌ها را به هدفی دست‌یافتنی مبدل سازند. چرا که جمهوری اسلامی ایران از نظر موقعیت ژئوپلتیک برای روسیه اهمیت زیادی دارد و این‌که ایران از جایگاه قدرت منطقه‌ای برخوردار است که در مقایسه با تمامی کشورهایی که در حال حاضر ادعای شراکت راهبردی و استراتژیک را با کشور روسیه دارند به مراتب برخوردار است و به راحتی قادر به دست‌یابی جایگاهی بالاتر و حفظ منافع خود در منطقه می‌باشد.



منابع

- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۴). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی در پرتو تحولات منطقه‌ای**. تهران: وزارت امور خارجه.
- جعفری، علی اکبر و رویا میرجلالی (۱۳۸۱). «مؤلفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری‌های هسته‌ای با ایران». **فصلنامه علوم سیاسی**. شماره ۵۱.
- دیوسالار، عبدالرسول (۱۳۹۸). «رابطه امنیت-توسعه در سیاست خارجی: مطالعه موردی روابط ایران و شوروی ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷». **فصلنامه سیاست**. دوره ۴۹، شماره ۲.
- (۱۳۸۶). **مقدمه‌ای بر ماهیت‌شناسی دکترین**. تهران: مرکز علوم دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- (۱۳۸۶). «ارزیابی ابعاد گوناگون دکترین‌های امنیتی دفاعی روسیه». **مجله سیاست دفاعی**. شماره ۶۰.
- داد اندیش، پروین (۱۳۸۴). «تصویر جدید سیاست امنیت ملی روسیه». **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**. شماره ۵۲.
- زهرانی، مصطفی و تیمور فرجی لوحه سرا (۱۳۹۳). «منابع بین المللی راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه». **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**. شماره ۸۵.
- شاد، محمد (۱۳۹۶). **ایران در هندسه سیاست خارجی روسیه**. تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۷). «نگاهی به سند سیاست خارجی روسیه». **فصل نامه مطالعات میان رشته-ای علوم انسانی**، شماره ۳۵.
- (۱۳۸۸). **روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه عصر نوین همکاری‌ها**. تهران: وزارت امور خارجه.
- (۱۳۸۲). «سیاست خارجی روسیه، مشکل تعریف منافع و رفتارهای متناقض». **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**. شماره ۴۱.
- (۱۳۹۵). «جایگاه ایران در سند سیاست خارجی روسیه». **دیپلماسی ایرانی**.
- کولائی، الهه و عقیقه عابدی (۲۰۱۸). «مؤلفه‌های ژئوپلیتیک سیاست خارجی روسیه». **فصلنامه بین-المللی ژئوپلیتیک**. جلد ۱۴، شماره ۴۹، صص ۳۶-۶.
- کولائی، الهه و محمد سلطانی نژاد (۲۰۱۷). «علل و انگیزه‌های عملیات نظامی روسیه در سوریه». **مطالعات استراتژیک**. جلد ۱۹، شماره ۷۳، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲). **تحول در نظریه‌های روابط بین الملل**. تهران: انتشارات سمت.
- مرادی، منوچهر (۱۳۷۵). «روسیه و هم‌گرایی نظامی در جامعه کشورهای مشترک المنافع». **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**. شماره ۱۶.

نوری، علیرضا (۱۳۹۱). **پوتین، ایران و مسئله کیک بزرگتر در سیاست خارجی روسیه**. تهران: مؤسسه مطالعات ابرار معاصر.

ولی‌قلی‌زاده، علی (۱۳۹۰). **بازگشت مجدد پوتین: فرصت‌ها و چالش‌های ایران**. تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.

«نظرات کارشناسان روس درباره‌ی اصول هسته‌ای جدید روسیه»، نمایه شده: ۱۵ تیرماه ۱۳۹۹
WWW.IRAS.IR

«سند سیاست خارجی روسیه ۲۰۱۶» ترجمه شده در مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)
WWW.IRAS.IR

«در خواست روسیه از ایران درباره شبه جزیره کریمه»، نمایه شده: ۷ آبان ماه ۱۳۹۵
Khabaronline.ir

«نگاهی مقایسه‌ای بین استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۶ و دکترین نظامی ۲۰۱۵ روسیه»، نمایه شده: ۱۳۹۴
Iribnews.ir

«امضا ۱۵ سند همکاری بین ایران و روسیه»، نمایه شده: بهمن ماه ۱۳۹۵
www.isna.ir

Mearsheimer, John J. (2001). **The Tragedy of Great Power Politics**. New York: Norton.

Mearsheimer, John J. (2010), “**Structural Realism**”, in: Tim Dunne, Milja Kurki and Steve Smith (eds.), *International Relations Theories: Discipline and Diversity*, Oxford: Oxford University Press, pp: 77-94.

“**Military Doctrine of the Russian Federation**” (2014), Available at: <https://www.offiziere.ch/wp-content/uploads-001/2015/08/Russia-s-2014-Military-Doctrine.pdf>, (Accessed on: 11/2/2018).

“**Russian National Security Strategy**”(2015), Available at: www.ieee.es/Galerias/fichero/OtrasPublicaciones/Internacional/2016/Russian-National-Security-Strategy-31Dec2015.pdf, (Accessed on: 10/4/2017)

Zakaria, F.(1998) **From Wealth to Power: The Unusual Origins of America's World Role**. Princeton, NJ: Princeton University Press.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی